



آینده را هراس بر انگیز و خیم می بینم!

منبع اطلاع من از گزارشات و حوادث تجلیل روز شهید در کابل رسانه های داخلی و راپور خبرنگاران از چگونگی اوضاع بود، که به صورت علنی با استفاده از این فرصت کابل را صحنه زور آزمایی ساخته با آفرینش ارباب و دهشت مردم را از بیم جان در منازل شان محبوس نگهداشتند. این ماجرا جویی بر هیچ اصول مدنی و دینی مطابقت نداشته، برای بزرگداشت و حرمت و یاد و بود شهدا و فقط یک شهید نبود، و هیچ نوع دلیلی برای تبارز این گونه نمایش رخ زور و دهشت افگنی در آن جز آشوب گری و فتنه انگیزی سراغ نمی شد.

همان گونه که بیرونی ها آمده برای ما دولت ساختند و نظام آراستند، رئیس جمهور و اراکین دولت را انتصاب کردند برای افغانستان بدون هیچ گونه توجیه و تعیین مشخصات قهرمان ملی بر گزیدند، و با دادن لقب «بابای ملت» به محاسن سفیدی را که برای یک مدت مؤقت می توانست راه و رسم زندگی این وطن را سر و صورتی بخشد کنار بردند.

این حق مسلم و مدنی مردم یک منطقه است که اگر کسی را به حیث رهبر، پیشوا، قائد و قهرمان خود انتخاب کنند ولی کاربرد پسوند «ملی» سؤال برانگیز است اگر قهرمان پنجشیر نامیده می شد حرفی نمود و حتی او را قهرمان قوم تاجک خواندن درست نبود، که این اقدام مربوط خود شان بوده و اما سعی و تلاش برای قبولاندن آن بر دیگران توسط زور و قدرت اسلحه کوششی است بی ثمر و مذبحانه که عکس العمل های شدید را بار آوردنی است. مگر این که تمام قدرت سیاسی و نظامی مملکت را به دست داشته باشند، چنان چه از نور محمد تره کی رهبر کبیر و معلم دانا و توانا ساختند.

اگر جهاد ۱۴ سال افغانستان و مبارزه علیه قوای متجاوز شوروی معیار و مشخصه قهرمان ملی شدن باشد، تأریخ گواهی می دهد از بطن جامعه از هر منطقه و هر ولسوالی و هر قوم افغانستان قوماندانان سر سپرده، دلاور و سلحشوری برخاسته بود که یا در میدان های جنگ و قیام های دلیرانه و یا توسط توطئه های ک. ج. ب. و سازمان استخباراتی حکومت به شهادت رسیدند، و تا هنوز نام های شان ورد زبان مردم است، و عده ای در گم نامی زیر خاک رفتند. اکثر این راد مردان جان نثار از نعمت پناه گاه های مصون و مغاره های کوه های صعب العبور و غیر قابل دسترسی بر خوردار نبوده در سرک ها، کوچه ها و دشت های هموار با شوروی جنگیدند و پیوند شان با تنظیم

ها بر اساس عقیده نبوده از روی مجبوریت و برای گرفتن اسلحه بود و ایشان مجال و امکانات مهمانداری از کتاب نویسان فرانسوی، انگلیس و امریکا را نداشته به جز مبارزه با سیاست نا آشنا بودند.

آیا این غیر عادلانه و نهایت ظالمانه و چشم پوشی علنی از حقایق نیست که نامی از این سپاهیان گم نام برده نشده از بین هزاران یک نفر را بدون هیچ نوع امتیاز قهرمان ملی گفت.

بهتر نبود که پیروان مسعود این روز را در زادگاه و آرامگاه مسعود در پنجشیر به هر نحوی که می خواستند با ساز و سرود و قرصک یا ختم قرآن و گریه و نوحه گری تجلیل نموده یاران مسعود را برای سخن رانی دعوت می کردند.

این چندمین بار است که اعضای حزب جمعیت و پاسداران منافع گروه (شورای نظار) از پنجشیر توسط بس ها و لاری ها مردان مسلح را به کابل می آورند. در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۴ با شعار ارگ و یا مرگ، در حادثه انفجار تانکر در چهارراهی زنبق که تلفات جانی بار آورد، و حالا بعد از ائتلاف مثلث در انقره به بهانه سوگواری سیدالشهدا!! فرصت می طلبند تا تخریب کنند و ویران نمایند و وطن را به سوی قهقراء بکشانند، مسلح کابل آمدند و فیر های هوایی نموده که ۶ نفر زخم برداشت و ۴ طفل زیر اربابه موتر شان شد. خبر نگاری گفت یک صاحب منصب پولیس محترمانه برای شان خاطر نشان ساخت که بعد از این حائل منطقه ممنوعه است داخل نشوید، که آن صاحب منصب غیر مسلح را قفاق کاری نموده زیر مشت و لگد گرفتند.

خموشی دولت و عدم اتخاذ تصامیم لازم امنیتی را می توان ضعف، جبن و خوف گفت و یا صبوری سیاسی خواند و یا دستور قدرت های حاکم بر افغانستان. و یا موجودیت رئیس اجرائیه ای که دارای صلاحیت های مساوی با رئیس جمهور است و در قوای امنیتی نفوذ داشته مخفیانه با چنین زور نمایی ها برای آینده سیاسی خود موافق است.

ولی برای جریانات دیگر، احزاب مخالف حتی باشندگان غیر وابسته کابل به شمول قوم تاجک این نوع تمثیل قدرت و مردم را به اسارت کشاندن دیگر غیر قابل تحمل است، هنوز مردم مسلح اند، و صبر و حوصله در برابر چنین حوادث حدی داشته شاید منجر به عکس العمل شدید مسلحانه شده تأریخ مصیبت بار دهه ۹۰ تکرار گردد، و اگر دولت و متحدین خارجی برای اطفاء این آتش مصروف شوند زمینه گسترش نفوذ طالبان فراهم شده جنگ های فر قوی به تضاد های مذهبی تبدیل شده پای ایران و عربستان سعودی و یاران خلیجی اش در این ماجرا کشانیده شده وقایع دردناک و تباه کننده سوریه و یمن در افغانستان به وقوع می پیوندد.

پایان